



ناصر ایمانی

فعال سیاسی اصولگرا

همیشه باید این توصیه را به مسئولان دولتی کرد که به‌طور مستمر آن نوارهای ویدئویی سخنرانی‌های انتخاباتی و همین‌طور نوارهای مناظره‌های تلویزیونی را که داشته‌اند مستمر نگاه کنند و ببینند که در زمان انتخابات چه گفته‌اند. مطالبی را که کاندیدانهای محترم مطرح کرده‌اند که البته یکی از آن کاندیدها رئیس‌جمهور بوده که آقای رئیسی هستند بخشی از آن مطالب مربوط به زمانی خاص و بخش دیگر درازمدت است. آن بخش که مربوط به زمان خاص است مثلاً آقای رئیسی گفتند که سالانه یک میلیون مسکن خواهیم ساخت. الان یک سال گذشته و رئیس‌جمهور به مردم گزارش دهد که مثلاً از یک میلیون وعده موفق به ساخت ۵۰۰ هزار مسکن یا بیش از یک میلیون واحد شده‌ایم. اما آن وعده‌هایی که آقای رئیس‌جمهور در زمان انتخابات زمانی برای آن تعیین نکرده بودند؛ یعنی گفته بودند که در بخش معیشت مردم یا کنترل تورم فلان کار را انجام می‌دهیم درست است که زمانی برای آنها تعیین نکرده‌اند اما به هر صورت فرض را بر ۴ سال دولت می‌گیریم و با گذشت یک سال باید یک چهارم از این وعده‌ها یا بخش‌هایی از آن محقق شده باشد که باز هم باید آمار به مراکز رسمی دولتی اعلام کنند. مثلاً بگویند که در این یک سال موفق شده‌ایم رشد نقدینگی و تورم را این مقدار کنترل کنیم یا کاهش دهیم. نرخ سرمایه‌گذاری را توانسته‌ایم به این میزان برسانیم. ضریب جینی در یک سال گذشته به این میزان رسیده یا تغییر ی نکرده است. لذا باید این آمارها را بر اساس آن وعده‌هایی که داده بودند بیان کنند. مردم در ذهنشان زمانی را به دولت‌ها فرصت می‌دهند. حتی ممکن است خود مردم نیز به‌طور مستقیم خیلی متوجه این موضوع نباشند اما اذهان عمومی مردم اینگونه است. ذهن عمومی مردم زمانی را که تصور می‌کنند که قاعدتا در این زمان دولت باید به وعده‌های خود عمل کند. تا آن مدت به‌طور غیرمستقیم صبر می‌کنند اما از یک زمانی که بگذرد حکم صادر می‌کنند که این مقدار زمان گذشت و دولت باید مسلط بر اوضاع شده باشد و باید این اقدامات را در اوقات انجام داده باشد و اگر آن اقدامات انجام نگردد به اثباتش مطالبات تبدیل می‌شود. لذا به نظر می‌رسد که یکی از بهترین کارهایی که آقای رئیس‌جمهور یا معاون اول وی می‌توانند انجام دهند این است که با گذشت یک سال از روی کار آمدن دولت پیانند بر اساس وعده‌های انتخاباتی که آقای رئیسی داده‌اند و اعلام اموری که در وعده‌های انتخاباتی خود مطرح نکرده‌اند اعلام کنند که توانسته‌ایم به این وعده‌ها جامه عمل بپوشانیم. اما افکار عمومی نمی‌تواند حرف‌های کلی که اوضاع کشور بهتر خواهد شد؛ بدون اینکه نه قید زمانی داشته باشد و نه نحوه اجرا داشته باشد و نه مشخص باشد که کدام اوضاع در کدام حوزه بهتر خواهد شد را بپذیرد.

در پیچه

منصور حقیقت پور:

آمریکا به احیای برجام تن ندهد قافیه را باخته است

فعال سیاسی اصولگرا درباره احیای برجام اظهار داشت: اگر آمریکایی‌ها از سربلندت عمل کنند، امکان احیای برجام همچنان وجود دارد. آن دیوانه‌ها بودند که برجام را پاره کردند و با قدری از برجام کناره گرفتند. مقصر اصلی در مساله برجام آمریکایی‌ها هستند. آنها باید به تعهدات بین‌المللی خودشان پایدار می‌بودند و اکنون هم باید تحریم‌ها یا به‌طور کامل لغو و فکری شان اشتغال کنند. منصور حقیقت پور گفت: آنها موظفند که ساز و کارهایی مشخص درباره کشتیرانی، بیمه‌های کشتی‌ها، مسیرهای انتقال پول و به‌طور کلی اعاده وضع به قبل از تحریم‌های یکجانبه فراهم کنند. اگر بنا باشد مقصر پیدا کنیم، آمریکایی‌ها مقصر اصلی هستند و ایران هیچ تصمیمی نداشت است؛ کمالیکه ما تمام تعهدات خود در برجام را انجام داده‌ایم و حتی بیش از میزانی که انتظار بود هم انجام دادیم و همین موضوع حتی مورد نقد است اما به هر حال ایران به تمام تعهدات عمل کرد. او افزود: آمریکایی‌ها باید از طرفیت عقلی و فکری شان اشتغال کنند و قدری مجال به عقل‌شان بدهند و بدانند که دنیای کنونی، دنیای کوچکی نیست که یک کشور بتواند کلانتر باشد. دوره کلانتر بودن آمریکا تمام شده است. روسیه، چین، ایران و بسیاری از کشورهای سوسی می‌کنند از آمریکادوری کنند و آمریکایی‌ها اگر در این شرایط آمریکابه احیای برجام تن ندهند، قافیه را باخته است. این نماینده اسبق مجلس بیان کرد: آمریکا باید بپذیرد که دوران سرکشی‌ها و چاقو کشی‌ها در عرصه بین‌المللی تمام شده است و هیچ کشوری نمی‌تواند خواسته‌های خود را به زور تحریم و تهدید به کشور دیگری تحمیل کند. اکنون هم که مشخص است بایدن در آمریکا حداکثر دوسال دیگر در قدرت است و هر چه او هم برای احیای برجام کاری نکرد اما معلوم نیست که بعد از او آیا یک دیوانه دیگر مانند ترامپ روی کار می‌آید که کل برجام را پاره کند یا خیر؟ آمریکایی‌ها می‌توانند با سیاست یک‌پارچه و دو‌هوا رفتار کنند. اکنون آمریکایی‌ها از توافق فرار می‌کنند مانند مذاکره‌ای در دوحه صورت گرفت و دیدیم که بار دیگر تن به نتیجه ندادند. آمریکا باید به عنوان یک نظام سیاسی نه این دولت یا آن دولت تکلیف خود را در قبال توافقی هسته‌ای با ایران روشن کند. حقیقت پور تصریح کرد: ما هیچ وقت مخالف ارتباط با غرب یعنی اروپایی‌ها نبوده‌ایم؛ کمالیکه بعد از انعقاد برجام هم اروپایی‌ها به ایران آمدند و سرمایه‌گذاری‌ها شروع شده بود اما این آنها بودند که بعد از خروج آمریکا از برجام به سرعت پا به فرار گذاشتند. من خودم با مسئولان سیاسی فرانسه صحبت کردم و گفتیم شما ضرر می‌کنید و ببینید که اکنون شرکت پژو، سیتروئن و شرکت‌های داروسازی نان با خروج از ایران چه قدر ضرر کردند. ما مخالف کار با اروپایی‌ها نبوده و نیستیم اما نمی‌توانیم به امید اینکه برجام احیا شود یا آنها ارتباط برقرار کنیم از دیگر طرفت‌های عرصه بین‌المللی مثل گسترش روابط با چین یا روسیه یا کشورهای منطقه غافل شویم. ما سعی می‌کنیم منافع ملی خودمان را تأمین کنیم و در این مسیر شرق و غرب فرقی نمی‌کند.

علیرضا محبوب در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

جهت‌گیری

سیاست‌های پولی

باید به سمت فقرا باشد

سیاست‌های اقتصادی که پول ملی را تضعیف می‌کند متوقف شود

سیاست‌های اشتباه پولی می‌تواند هر دولتی را زمین‌بزند

ارزش پول ملی

کاهش پیدا کرده است



«آرمان ملی» - احسان انصاری: یک سال از عمر دولت گذشته و به‌رغم فراز و نشیب‌هایی که دولت داشته اما وضعیت اقتصادی مردم به‌عنوان مهم‌ترین مطالبه از دولت هنوز بهبود پیدا نکرده است. این در حالی است که آقای رئیسی در طول یک سال گذشته تلاش‌های زیادی برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم انجام داده‌اند. به همان میزان که باید تلاش‌های رئیس‌جمهور را نقطه قوت دولت قلمداد کرد به همان اندازه نیز باید نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی مطالبه گری کرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی عملکرد دولت در سال گذشته به خصوص در زمینه وعده‌های اقتصادی با دکتر علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. محبوب معتقد است: «دولت سیزدهم نیز مانند همه دولت‌ها تلاش می‌کند که مشکلات را حل کند. رئیس‌جمهور نیز فرد دلسوزی است و تلاش زیادی می‌کند که مشکلات را حل کند. در سال‌های ۹۸ و ۹۹ میزان فقر در کشور دو برابر شده بود. به همین دلیل دولت جدید که روی کار آمد تلاش کرد این وضعیت را بهبود ببخشد، اما در عمل اتفاق دیگری رخ داد.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

رخ می‌دهد و مردم در چه شرایطی زندگی می‌کنند حائز اهمیت است. نکته مهم این است که با دلسوزی و اظهار نظر درباره لزوم توجه به وضعیت زندگی فقرا مشکلات آنها حل نخواهد شد. امروز اغلب اقشار ضعیف جامعه برای خرید خورد و یا مشکل مواجه هستند. از سوی دیگر میزان مسافرت‌ها در بین مردم کاهش داشته است.

دولت چگونه می‌تواند سیاست‌های پولی خود را تغییر بدهد که در نهایت به سود اقشار کم در آمد باشد؟

ویژگی‌های سیاست‌های پولی به شکلی است که می‌تواند هر دولتی را دچار مشکل کند. عدول از سیاست‌های صحیح اقتصادی در نهایت به ضرر سیاست‌های پولی خواهد بود. بر اساس قانون، دولت و بانک مرکزی موظف به حفظ ارزش پول ملی هستند. این در حالی است که امروز بسیاری رویکرد دولت‌ها به شکلی بوده که ارزش پول ملی را تقویت کرده است. دولت مدعی اصلاحات اقتصادی است اما در این وضعیت دشواری‌های بیشتری مواجه می‌شوند. دولت با این اقدامات جراحی اقتصادی انجام بدهد. این در حالی است که در بدن بیمار باید از توانایی کافی برای جراحی اقتصادی برخوردار باشد که در شرایط کنونی این وضعیت وجود ندارد. هنگامی که بدن بیمار از توانایی کافی برای جراحی اقتصادی برخوردار نیست این احتمال وجود دارد که جراحی به ضرر بیمار تمام شود. به همین دلیل هر سیاستی که دولت دنبال می‌کند باید جای تجدیدنظر و بازگشت در آن وجود داشته باشد.

اقتصاد کشور به شکلی شده که حتی نمی‌توان نام آن را تورم گذاشت. مسیر حرکت دولت در اقتصاد باید حفظ تعادل و توازن باشد. کسی منکر واردات نیست. اما این واردات باید برای حفظ توازن اقتصادی کشور صورت بگیرد. بخشی از وضعیت کنونی به نیز به دلیل سیاست‌هایی است که در دولت گذشته دنبال شده است. با این وجود این وضعیت هنوز ادامه دارد. اگر بهتر شده بود بنده به آن اذعان می‌کردم و از دولت تشکر می‌کردم. جهت‌گیری دولت به سمت کمک به اقشار ضعیف جامعه و فقراست. این جهت‌گیری خوب است. همین که دولت متوجه شده در زندگی اقشار ضعیف جامعه چه اتفاقاتی

می‌شود که میزان دستفروش‌ها نسبت به گذشته افزایش داشته است. در شرایطی که پیش‌آمده بخش غیرمولد اقتصاد کشور به‌جای اینکه وارد چرخه سالم اقتصادی شود تریج می‌دهد از وضعیت موجود به سود خود استفاده کند. تصمیمات باید در زمان خود و با برنامه‌ریزی دقیق صورت بگیرد. اینکه برخی برای اقتناع عمومی در شرایط کنونی تصمیماتی اتخاذ کنند پذیرفته‌شده نیست و پیامدهای خوبی برای کشور ندارد. برخی از تصمیمات به بی‌ثباتی اقتصادی در کشور دامن می‌زند. این در حالی است که ثبات اقتصادی مهم‌ترین ضرورت تصمیم‌گیری در کشور است. نظام ارز و بازار ارز دارای تعریف خاص خود است و باید بر اساس قاعده و اصول درباره آن تصمیم‌گیری صورت بگیرد. آن چیزی که دولت باید به توجه کند بازگشت به سیاست‌های پولی گذشته است.

آیا شرایط برای بازگشت به سیاست‌های پولی گذشته وجود دارد؟

اگر کسی فکر می‌کند راه دیگری وجود دارد همان راه را انتخاب کند. برخی نام اقدامات دولت را اصلاحات اقتصادی گذاشتند و در واقع این اقدامات اصلاحات اقتصادی نبود. در گذشته سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشور اجرا شده است. جهت سیاست‌های پولی باید به سمت فقرا باشد. این در حالی است که شرایط کنونی این سیاست‌ها در جهت تضعیف پول ملی عمل می‌کند. به‌هرحال باید بپذیریم که دولت‌ها باید در شرایط سخت بهترین تصمیم را اتخاذ کنند. در شرایط کنونی نیز بهترین تصمیم بازگشت از تصمیماتی است که گرفته‌شده و آثار توری به‌همراه خواهد داشت. افزایش ناآرامی قیمت‌ها در اقتصاد کشور به شکلی شده که حتی نمی‌توان نام آن را تورم گذاشت. مسیر حرکت دولت در اقتصاد باید حفظ تعادل و توازن باشد. کسی منکر واردات نیست. اما این واردات باید برای حفظ توازن اقتصادی کشور صورت بگیرد. بخشی از وضعیت کنونی به نیز به دلیل سیاست‌هایی است که در دولت گذشته دنبال شده است. با این وجود این وضعیت هنوز ادامه دارد. اگر بهتر شده بود بنده به آن اذعان می‌کردم و از دولت تشکر می‌کردم. جهت‌گیری دولت به سمت کمک به اقشار ضعیف جامعه و فقراست. این جهت‌گیری خوب است. همین که دولت متوجه شده در

مطلع باشند. همه دولت‌هایی که تلاش کردند گزارش کوتاه مدت به مردم بدهند در این زمینه ناموفق بوده‌اند. به همین دلیل دولت سیزدهم نیز نباید در این مسیر حرکت کند. کسانی که امروز مدیریت کشور را برعهده دارند باید به شکلی عمل کنند که قرار است ۱۰۰ سال مدیریت کشور را برعهده داشته باشند. به همین دلیل باید به شکلی برنامه‌ریزی کنند که برای ۱۰۰ سال آینده پاسخگو باشند. ما باید بپذیریم که هر دولتی با چالش‌های خاص خود مواجه است و این وضعیت درباره همه دولت‌ها وجود داشته است. ما در اقتصاد حق انتخاب بین خوب و عالی را نداریم و بلکه باید بین خوب و بد انتخاب کنیم. این در حالی است که ما معمولاً بین بد و بدتر انتخاب می‌کنیم و به همین دلیل با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شویم.

برخی نام اقدامات دولت را اصلاحات اقتصادی گذاشته‌اند و در واقع این اقدامات اصلاحات اقتصادی نیست. سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشور اجرا شده است. جهت سیاست‌های پولی باید به سمت فقرا باشد.

از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. این موضوع نشان می‌دهد که در سرنوشت اقتصاد ما بخش‌های نامولد تأثیرگذار هستند و می‌توانند شرایط زندگی را برای مردم سخت کند.

چرا بین وعده‌های اقتصادی که دولت داد و آنچه اتفاق افتاد فاصله ایجاد شد؟

دولت سیزدهم نیز مانند همه دولت‌ها تلاش می‌کند که مشکلات مردم را حل کند. رئیس‌جمهور نیز فرد دلسوزی است و تلاش زیادی می‌کند که مشکلات را حل کند. در سال‌های ۹۸ و ۹۹ میزان فقر در کشور دو برابر شده بود. به همین دلیل دولت جدید که روی کار آمد تلاش کرد این وضعیت را بهبود ببخشد اما در عمل اتفاق دیگری رخ داد. من به‌خاطر دارم زمانی که در چین تصمیم گرفته شده بود نظام جدید سیاسی اقتصادی شکل بگیرد ما به این کشور سفر کرده بودیم. در این سفر یکی از اعضای دفتر حزب کمونیست چین برای ما توضیح می‌داد که ما تا سال ۲۰۵۶ برای مدیریت کشور برنامه‌ریزی کرده‌ایم. در نتیجه آنچه امروز انجام می‌دهیم بر اساس برنامه‌ای است که تا سال ۲۰۵۶ طراحی کرده و در آن سال‌های گذشته آن را اجرایی کرده‌ایم. نکته مهم در این زمینه این است که چینی‌ها در سال‌های پس از تغییر نظام سیاسی خود خیلی بهتر از آنچه در برنامه نوشته‌اند عمل کرده‌اند. واقعیت این است که ما در دهه ۹۰ و شاید کمی زودتر از این منابع زیادی را از دست بدهیم. در شرایط کنونی که دولت در یک سالگی قرار گرفته باید به یک سال پیش نگاه کند که آیا در طول این مدت بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی که انجام داده عمل کرده یا اینکه به شکل دیگری رفتار کرده است.

دولت به چه میزان در چارچوب‌هایی که طراحی کرده بود عمل کرده است؟

من معتقدم آنچه دولت در عمل انجام داد با آنچه برنامه‌ریزی کرده بود فاصله داشت. در همه کشورهای جهان برنامه بلندمدت ۲۰ ساله می‌نویسند و آن را چهار ساله و سپس یک ساله می‌کنند و آن را انجام می‌دهند. چنین برنامه‌ای نیز باید توسط مجلس تصویب شده باشد و همه نهادها و تصمیم‌گیران نظام سیاسی از جزئیات آن

نگره

خط و نشان تکسین‌هاو سوپر انقلابی‌ها

اتفاقات زیادی در پشت پرده سیاست رخ می‌دهد که مردم از آن مطلع نیستند، اما به هر حال نشانه‌های روشن آن در عرصه سیاسی دیده می‌شود. یکی از این اتفاقات، اختلافات جدید جبهه پایداری و حامیان قالیباف است. این اتفاق البته از سال ۸۴ به تناوب رخ داده، اما در فضای غیرانتخابی، عموماً این اختلافات علنی نمی‌شد. رویداد ۲۴ نوشت، روزنامه همشهری در گزارشی با عنوان «پشت پرده پارلمان»، حملات تندی علیه قالیباف منتشر کرده است؛ چه آنکه مشخصاً در بخشی از گزارش اهداف قالیباف را به انتخبات پیوند زده است: «اهدافی که البته چندان بی‌ارتباط با انتخابات ریاست‌جمهوری ۴۰۰ نیست.» در همان گزارش نوشته شده که به‌خاطر مسائل انتخابی، قالیباف به‌صورت چراغ خاموش عزل و نصب‌های خود را در مجلس انجام می‌دهد: «همه این موارد اما تنها بخشی از اتفاقات رخ داده در پارلمان است، قالیباف همچنان مشغول عزل و نصب است و نیروهای مدنظرش را در سمت‌های مختلف مجلس قرار می‌دهد اما با این تفاوت که این بار خبری از این انتصاب‌ها در رسانه‌های ارتباط جمعی منتشر نمی‌شود.» روزنامه همشهری از انتصاب‌ها با عنوان حضور اتوبوسی تیم قالیباف در مجلس یاد کرده است: «رئیس‌فعلی مجلس که روزگاری مدعی شفافیت بود و از لزوم آگاهی مردم از چند و چون اقدامات صورت گرفته در مجلس می‌گفت به صورت پنهانی یارانش را وارد مجلس کرده و اصطلاحاً اتوبوس یاران چشم‌انظارش را به ساختمان هرمی شکل میدان بهارستان برساند.»

نماد مدیر جهادی!

علاوه بر همشهری، صداوسیما هم ظاهراً آن نگاه پیشین را به قالیباف ندارد؛ چنانکه این بار در سفر استانی رئیس مجلس شرایطی دیگر حاکم بود؛ قالیباف عزم یک سفر استانی داشت و گمان می‌کرد مثل دولت روحانی، همه مسئولان در مقابلش ردیف می‌ایستند و شبکه‌های صداوسیما در تمام بخش‌های خبری نشان می‌دهند که چطور رئیس مجلس، تک‌تک مسئولان استانی را نشانت می‌کند و تا یکی دو هفته بعد هم مستندهای باز دیده‌های میدانی آقای رئیس‌جمهور را به تصویر می‌کشد. اما این بار خبری از پوشش گسترده سفر قالیباف نبود. به یاد بیایید زمانی از صداوسیما و دیگر رسانه‌ها به صف بودند تا تصویر قالیباف را با لباس گلی منتشر کنند تا «مدیریت جهادی» به تصویر کشیده شود. قالیباف که از کینگلیویه و پوپر احمدت‌گشت، نشان داد او هم مرد عمل است. اگر چه تا امروز مجلس بازدهم چه در زمینه مشکلات اقتصادی مردم عملکرد موثقی نداشته است، اما این دلیل نمی‌شود که قالیباف در پاسخگویی به رقبیان درون‌حزبی هم ضعیف باشد. او به صراحت از جایگاه ریاست مجلس از سوپر انقلابی‌ها گلایه کرد و گفت «ما نیست ما تنبلی کنیم، دهانمان را باز کنیم، هر حرف نهنختی را به زبان بیابوریم واسم خودمان را بگذاریم انقلابی. به قول حضرت زین العابدین (ع) بعضی‌ها را نگاه می‌کنیم، هر چه نگاه می‌اندازیم که چه کرده؟ هیچ نکرده. ولی از همه هم طلبکار است. هر کسی هم که یک دیکته‌ای نوشته، ممکن است غلطی هم نوشته، ایراد می‌گیرد که «آقا چرا یک غلط داری؟ خوب، تو که هیچ غلطی نکرده‌ای و عمر خودت را تباه کرده‌ای! حداقل تو حق نداری به اسم انقلاب حرف بزنی» علی محمد نمازی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره اینکه آقای قالیباف، بی‌پروا و شفاف سوپرانقلابی‌ها را مخاطب قرار می‌دهد، می‌گوید «دو احتمال را به وجود می‌آورد؛ یکی اینکه می‌خواهد بگوید با آفت‌هایی که کشور و نظام را تهدید می‌کند مخالف است و هشدار بدهد که شاید دیگران جلوی این‌ها را بگیرند و به مدعیانی که مطلقاً مواضع خود را درست می‌دانند، بفهماند که مطلق‌انگاری و صحیح دانستن رفتارهای خودشان تهدیدی برای نظام است. یک احتمال وجود دارد آن هم این موضوع است که از حاشیه‌هایی که درباره خانواده‌اش صورت گرفت، ناراحت است و می‌خواهد با این عنوان و پوشش این اتفاق را محکوم کند.»

ریشه اختلاف

محمدصادق کوشکی از چهره‌های اصولگرا در پاسخ به رئیس مجلس، گفته «در عرصه سیاسی قالیباف راه را به درستی طی نکرده». امیرحسین ثابتی از چهره‌های نزدیک به این جریان هم در شبکه‌های اجتماعی نوشت «دقیقاً بسیاری از سرمایه‌ها به دلیل ضعف در ساختار از بین می‌روند اما معذاً مشکل کشور پول نیست، مشکل عرضه و حکمرانی صحیح است.» ضمن اینکه بودجه ۱۴۰۰ نیز توسط همین مجلس تصویب شده بود. اما به هر حال کنایه‌های قالیباف، باز هم نزدیکان دولت را ناراحت کرده است. رئیسی چهل روز است که وزیر کار خود را به مجلس معرفی نکرده و حدود یک ماه است که مهلتی دو ماهه از رئیس مجلس برای تغییر ساختار وزارت صمت گرفته، اما از هیچ‌کدام از این تغییرات خبری نیست.